

**Stigma and the Social Self: A Goffmanian Analysis of Rajaa Alsanea's *Girls of Riyadh***Asieh Zabihnia Emran^{*1}, Marzie zarezardeyni²**Abstract**

This study employs Erving Goffman's theory of stigma to analyze Rajaa Alsanea's novel *Girls of Riyadh* (2005). Focusing on the intertwined lives of four Saudi women—Gamrah, Sadeem, Michelle, and Lamees—the novel critiques the restrictive cultural customs and gender inequalities within contemporary Saudi society, depicting its female characters as captives to tradition. Using a descriptive-analytical method, this research examines how stigma functions as a mechanism of social control in the narrative. The analysis identifies prominent forms of stigma within the text, including labels of nonconformity, social disgust, and resistance to dominant norms, which are often anchored in traditional and cultural expectations. These stigmatizing processes are shown to precipitate severe consequences for the protagonists, including enforced secrecy, psychological distress, and pervasive social anxiety. Furthermore, the findings indicate that ethnic and tribal stigma emerges as the most acutely oppressive form within the novel's social landscape, profoundly shaping the characters' identities and experiences. Through this Goffmanian lens, the study elucidates how Alsanea's work dramatizes the performative negotiation of a spoiled identity within a rigidly coded social world.

Keywords: Rajaa Abdullah Sanea, *Girls of Riyadh*, Erving Goffman, stigma.

¹ Professor of the Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding author) zabihnia@pnu.ac.ir

² Asistsnt Professor, Department of Arabic Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran. mzare93@pnu.ac.ir





فصلنامه مطالعات روایت‌شناسی عربی

شاپا چاپی: ۲۶۷۶-۷۷۴۰ شاپا الکترونیک: ۲۷۱۷-۰۱۷۹



دانشگاه خوارزمی

مقاله علمی محکمه

بررسی رمان «بنات الرياض» از رجاء عبدالله الصانع بر اساس دیدگاه داغ ننگ گافمن

آسیه ذبیح نیا عمران^۱، مرضیه زارع زردینی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رمان «بنات الرياض» (۲۰۰۵) از رجاء عبدالله الصانع (متولد ۱۹۸۱ م.) نویسنده سعودی بر اساس نظریه داغ ننگ اروینگ گافمن (۱۹۲۲-۱۹۸۲ م.) می‌پردازد. در نظریه گافمن، روابط میان افراد در زندگی روزانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رمان «بنات الرياض» به مسائل زن امروز در کشور عربستان- با محوریت روابط زوجین- از دریچه زندگی چهار زن به نام‌های قمره، سدیم، میشل و لمیس پرداخته است. نویسنده از تراژدی زندگی مدفون شده در سنت سخن می‌گوید و از دخترانی که در بازار خرافه‌پرستی خرید و فروش می‌شوند و تا لحظه مرگ در حرمسرای شرق سنتی اسیرند. تمرکز رجاء عبدالله الصانع بر تأثیرات منفی آداب و رسوم و سنت‌های جامعه سعودی و انتقاد به حقوق و روابط نابرابر زن و مرد است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و براساس نتایج تحقیق، مهمترین داغ ننگ و برجسته‌ترین‌ها در رمان «بنات الرياض»، دگراندیشی، انزجار، جریان‌ستیزی، طردشدگی و شک در باورداشت شخصیت‌هاست که اغلب بن‌مایه‌های سنتی و فرهنگی دارد. وجود داغ ننگ در زندگی شخصیت‌های اصلی رمان می‌تواند زمینه‌های بروز مشکلات جدی همچون پنهان‌کاری، عدم صداقت، انواع اختلال‌های روانی و در نهایت اضطراب اجتماعی را فراهم آورد. همچنین داغ ننگ قومی و قبیله‌ای بیش از هر چیز دیگر شخصیت‌های اصلی رمان را می‌آزارد.

کلمات کلیدی: رجاء عبدالله الصانع، رمان «بنات الرياض»، اروینگ گافمن، نظریه داغ ننگ.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴

ویژنه‌نامه فصل زمستان ۱۴۰۴ شماره ۱، صص. ۷۳-۹۲

^۱ استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

zabihnia@pnu.ac.ir

^۲ استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. mzare93@pnu.ac.ir



۱. مقدمه

شخصیت‌ها در انواع ادبی به ویژه رمان به عنوان مهمترین عنصر سازه ای داستان و در روان‌شناسی به عنوان اساسی‌ترین موضوع تحلیلی، ارزیابی می‌شوند و از این دید می‌توان از آنها در مبحث پژوهش‌های میان رشته‌ای بهره برد. بین ادبیات و روان‌شناسی همواره ارتباطی نزدیکی برقرار بوده زیرا ادبیات، بازتاب عواطف، احساسات، دغدغه‌ها و کشمکش‌های روحی و روانی انسان‌هاست. روان‌شناسی نیز دانشی است که به صورت تجربی به مطالعه فرآیندهای ذهنی، روانی و رفتاری می‌پردازد. یکی از انواع نقد که در چند دهه اخیر، مورد توجه پژوهشگران و منتقدان قرار گرفته، نقد روان‌شناختی شخصیت‌ها در آثار ادبی است. «شخصیت هر کس در آثار داستانی نشان دهنده نحوه پردازش نویسنده و هدف خاصی است که فرد از خلق آن شخصیت دارد» (علی بیگی سرهالی و نیک‌خواه نوری، ۱۴۰۱: ۴۰۰). شخصیت علاوه بر اینکه به ویژگی‌های بیرونی هر فرد اشاره می‌کند ساختار یا مختصات درونی هر فرد را نیز تشکیل می‌دهد. در نگاه دیگر، «شخصیت مجموعه‌ای از ویژگی‌های منحصر به فردی است که امکان دارد در پاسخ به موقعیت‌های مختلف تغییر کند.» (شولتز و شولتز، ۲۰۰۲: ۴۰۱) مقاله حاضر تلاش دارد تا به بررسی شخصیت‌های رمان «بنات الریاض» از دیدگاه داغ ننگ گافمن بپردازد. در این رمان، برخی از زخم‌ها (داغ ننگ‌ها) داغ‌هایی هستند که در اجتماع به چشم می‌آیند و اگر هم به افراد جامعه معرفی شوند، جز بیماری روانی چیز دیگری را دلیل این داغ نمی‌دانند، اما همیشه این داغ‌ها در نتیجه یک مشکل روانی نیستند، بلکه دلایل عمیق‌تری را در خود جای داده‌اند که هدف مقاله حاضر بررسی انواع این برچسب زنی‌ها در رمان «بنات الریاض» است.

۱.۱. پرسش‌های تحقیق

مهم‌ترین داغ ننگ و برچسب زنی در رمان «بنات الریاض» چیست؟ داغ ننگ شخصیتی و قومیتی چه تأثیری در بروز اختلال‌های روانی و رفتاری شخصیت‌های این رمان دارد؟ علل و عوامل داغ‌خوردگی این شخصیت‌ها چیست و خود آنها چه نقشی در این موضوع داشته‌اند؟ و در نهایت راه‌کارهای برون‌رفت این شخصیت‌ها از تبعات و آثار منفی داغ ننگ چیست؟

۱.۲. پیشینه پژوهش

برخی از آثار منتشر شده درباره رمان «بنات الریاض» به ترتیب سال نشر عبارت است از: افضلی و قاسمی اصل (۱۳۹۶) مقاله‌ای با عنوان «مطالعه سرمایه‌های اجتماعی زنان در عربستان براساس نظریه پیر بوردیو؛ مطالعه موردی: رمان دختران ریاض»، در مجله نقد ادبی و بلاغت منتشر کردند. براساس ماحصل پژوهش فوق، کنترل‌های اجتماعی که شکل روشن آن مردسالاری است، بزرگ‌ترین مانع پیش روی زنان برای بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی و در نهایت سرمایه نمادین است.. شفیع زاده، نوری کیدقانی و میرزایی نیا (۱۳۹۸) مقاله‌ای با عنوان «نگاهی تطبیقی به اشتغال بانوان و پیامدهای آن در دو رمان «عادت می‌کنیم» زویا پیرزاد و «بنات الریاض» اثر رجاء عبدالله الصانع»، در



پژوهش‌های تطبیقی زبان و ادبیات ملل چاپ کردند. براساس ماحصل تحقیق، در فضای هر دو رمان، زنان همچنان از تبعیض جنسیتی در عرصه بازار کار و نیز حضور و فعالیت شغلی در اجتماع رنج می‌برند و همچنان به خانه داری زنان به عنوان یک شغل فرسایشی نگریسته نمی‌شود، بلکه عملی دون و سطح پایین در هر دو جامعه تلقی می‌گردد. ضمن اینکه مسئله اشتغال زنان در جامعه ایران جنبه‌های مالی و اقتصادی دارد در حالی که این مسئله در میان زنان سعودی از جنبه هویتی و اجتماعی برخوردار است.

نجاتی، خضری و بلاوی (۱۴۰۰) مقاله‌ای با عنوان «نقد فمینیستی رمان‌های «بنات الریاض» اثر رجاء الصانع و «عادت می‌کنیم» اثر زؤیا پیرزاد»، در پژوهش ادبیات معاصر جهان منتشر کردند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که گرچه محل زندگی، آداب و رسوم، زبان، فرهنگ و بخشی از تفکرات دو نویسنده با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد؛ اما هر دو تحت تأثیر مکتب فکری فمینیسم، مباحث و مفاهیم مشترکی را در آثارشان بازتاب داده‌اند؛ زنان در هر دو رمان، افراد آزاده‌ای هستند که در برابر مردان و جامعه سنتی می‌ایستند و از حقوق خویش دفاع می‌کنند. نجاتی (۱۴۰۰) پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل ساختاری و محتوایی رمان «بنات الریاض» اثر رجاء عبدالله الصانع»، در دانشگاه خلیج فارس ارائه داد. یافته‌های این پایان‌نامه نشان می‌دهد که الصانع توانسته با در کنار هم چیدن عناصر ساختاری داستان، رمانی درخور و شایسته، تقدیم خوانندگان خود کند. رمانی که در آن انسان و به ویژه جنس زن، پیوند ناگسستنی با زندگی اجتماعی و کشمکش‌های آن دارد.

گرامی و علیزاده (۱۴۰۰) مقاله‌ای با عنوان «تهی شدگی صدای مردانه در رمان‌های فارسی و عربی با کاربری نشانه‌های زنانه (مورد پژوهانه: «پرنده من» فریبا وفی و «دختران ریاض» رجاء عبدالله الصانع)»، در پژوهش‌نامه زنان چاپ کردند. نتایج پژوهش گویای آنست که هر دو رمان به واسطه کاربری پرسماد نشانه‌های زنانگی در هر کدام دارای صدایی زنانه‌اند و هر دو نویسنده در نحوه بکارگیری این نشانه‌ها در داستان‌هایشان تجربه متفاوتی داشته‌اند؛ بدین ترتیب که در رمان «دختران ریاض» و در میان ۲۴۸ مورد نشانه زنانه حاضر در داستان، رنگ واژه‌های خاص زنانه با ۷۰ بار فراوانی، بیشترین بسامد را دارد. در سویی دیگر؛ در رمان «پرنده من» و در میان ۲۵۸ مورد نشانه زنانه حاضر در داستان، اسامی خاص زنانه با ۱۲۴ بار فراوانی، بیشترین بسامد را دارد.

افضلی، عتابی و محسنی مهر (سگوند) (۲۰۱۸) «مقاله‌ای با عنوان «واکاوی جامعه‌شناسی شرایط زنان در عربستان سعودی (مورد مطالعه: رمان «بنات الریاض» اثر رجاء عبدالله الصانع) در مجله الأستاذ منتشر کردند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که این رمان؛ تا حدود بسیار زیادی تصویرگر واقعیات جامعه عربستان در بستر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است و تلاش و تمرکز نویسنده برای تابوشکنی و گذر از خطوط قرمز جامعه عربستان، نگاه جانبدارانه و بعضاً غیر منطقی او را به همراه داشته است.

سهاد ساعد صاحب (۲۰۱۹) مقاله‌ای با عنوان «صورة الرجل والمرأة فی رواية بنات الریاض»، در مجله کلیة التربية الأساسية دانشگاه بابل عراق منتشر کرد.

برخی از آثار منتشر شده درباره نظریه داغ ننگ گافمن به شرح زیر است:





کتاب «داغ ننگ» یا «چاره‌اندیشی برای هویت ضایع شده» نوشته اروینگ گافمن است که مسعود کیانپور آن را در سال ۱۳۸۶ در ۱۹۲ صفحه به فارسی ترجمه کرد. این کتاب توسط نشر مرکز منتشر شد. قاسم زاده (۱۳۹۳) مقاله‌ای با عنوان «جامعه‌شناسی رفتار در رمان طناب کشی بر مبنای نظریه داغ ننگ» را در فصلنامه نقد ادبی منتشر کرد. از نتایج رمان طناب کشی برمی‌آید متن رمان با سه پیش متن قرآن کریم، رمان داغ ننگ هائورن و مثنوی مولانا پیوند بینامتنی پنهان دارد.

قاسم زاده و سالارکیا (۱۳۹۵) مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی روان‌شناختی - جامعه‌شناختی بخش پهلوانی شاهنامه بر مبنای نظریه داغ ننگ گافمن» را در مجله کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی چاپ کردند. در این مقاله آمده است که از ویژگی‌های فکری - رفتاری مذموم در انسان‌های مورد خطاب حماسه، واکنش‌های روانی ناشی از عقده‌های «کهری» و «حسادت»، در نتیجه صفت «داغ زنی» است که فردوسی ریشه بسیاری از موانع رشد و تعالی انسان‌ها را در سیطره اهریمنی آن می‌داند. نظر به پیشینه این رفتار غیراخلاقی و با تکیه بر نظریه «داغ ننگ» اروینگ گافمن تلاش کرده به چگونگی انعکاس این صفت نامیمون در شخصیت‌های شاهنامه، انواع و دلایل آن، در دوره پهلوانی - اسطوره‌ای شاهنامه؛ یعنی از زمان ضحاک تا مرگ رستم بپردازد.

ذبیح‌نیا عمران (۱۴۰۱) مقاله‌ای با عنوان «بررسی رمان جای خالی سلوچ بر اساس نظریه داغ ننگ اروینگ گافمن»، در پژوهش‌های بین رشته‌ای ادبی منتشر کرد. براساس نتایج تحقیق، مهم‌ترین داغ ننگ و برچسب زنی‌ها در رمان جالی خالی سلوچ، بی‌هویتی، ناامنی و انزجار است.

ذبیح‌نیا عمران (۱۴۰۱) مقاله‌ای با عنوان «تحلیل رمان پرفروش شب از سوزان کی بر اساس نظریه داغ ننگ اروینگ گافمن»، در مجله پژوهش‌های میان رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی چاپ کرد. براساس نتایج تحقیق، مهم‌ترین داغ ننگ و برچسب زنی‌ها در رمان شیخ آپرای پاریس، احساس انزجار، طرد شدگی، جریان ستیزی، دگراندیشی اجتماعی در باورداشت شخصیت اریک است که اغلب بن‌مایه روانی و فرهنگی دارد.

فتح‌اللهی، ذبیح‌نیا عمران و پشت‌دار (۱۴۰۲) مقاله‌ای با عنوان «بررسی رمان طوبا و معنای شب از شهرنوش پارسی‌پور بر اساس نظریه داغ ننگ اروینگ گافمن»، در پژوهش‌های ادبی چاپ کردند. براساس ماحصل تحقیق، داغ بی‌اعتباری، دودلی، احساس شومی سرنوشت، ناامنی، وسواس و عقده حقارت و در پی آن، برانگیختگی، حس کینه توزی و انتقام است که بیش از هر چیز دیگر طوبا یعنی راوی داستان را در بر می‌گیرد.

همان‌گونه که در سابقه و پیشینه تحقیق آمد تاکنون در رمان «بنات الریاض» مسأله داغ ننگ از دید گافمن بررسی نشده است بنابراین پژوهش حاضر می‌خواهد از راه این نگاه، مسائل، ناملایمات و آسیب‌هایی را که متوجه شخصیت‌های این رمان به عنوان نمادهای جامعه عربستان هستند بررسی کند.

۲. مبانی نظری تحقیق

اروینگ گافمن^۱ متولد کانادا و استاد جامعه شناس مهاجر امریکاست. وی یکی از نظریه‌پردازان اجتماعی نیمه دوم قرن بیستم است. گرچه گافمن در یک طبقه بندی آکادمیک در طبقه بندی جامعه شناسی جای می‌گیرد، اما روش شناسی مردمی^۲ که به کار گرفت، روشی بین روانشناسی اجتماعی و انسان شناسی قرار می‌گیرد. کتاب داغ ننگ (۱۹۶۳م)، گافمن، یکی از آثار کلاسیک در حوزه جامعه‌شناسی است که به درک عمیقتری از مفاهیم هویت، نابرابری و طرد اجتماعی کمک می‌کند. تحقیقات وی در این کتاب، تأثیرات منفی داغ ننگ بر سلامت روان و روابط اجتماعی افراد را نشان می‌دهد.

۲.۱. نظریه داغ ننگ اروینگ گافمن

کتاب استیگما یا داغ ننگ^۳ اثر اروینگ گافمن، به بررسی وضعیت اجتماعی افرادی می‌پردازد که به دلیل تفاوت‌هایشان با هنجارهای جامعه، با برچسب ننگ مواجه می‌شوند و از پذیرش اجتماعی طرد می‌شوند. گافمن در این کتاب، انواع مختلفی از داغ ننگ را که شامل نقایص جسمی، انحرافات اخلاقی و نقص‌های شخصیتی می‌شود، مورد بررسی قرار می‌دهد و تأثیر این داغ‌ها را بر زندگی فردی و اجتماعی افراد تحلیل می‌کند. کلمه «داغ ننگ» ریشه یونانی دارد و برای اولین بار در اشاره به علائم بدنی‌ای که کار برده شده که برای اشاره به نکته‌ای غیرعادی و ناپسند در خصوص وضعیت اخلاقی فرد مطرح می‌شده است. امروزه اصطلاح داغ ننگ به طور وسیعی تقریباً در همان معنای لفظی اولیه به کار می‌رود، ولی بیشتر به رسوایی و ننگ اشاره دارد تا به علائم بدنی ناشی از اختلال جسمی (گافمن، ۱۳۸۶: ۱۶). از دیدِ راوزه، یک لکه بدنامی، تعریف ساده‌ای است که (Rouse, 2002: 3) از مفهوم داغ ننگ ارائه شده است.

از مهم‌ترین مسائل مربوط به مفهوم داغ ننگ که تأثیر مهمی بر نحوه تعامل فرد داغ‌خورده با افراد عادی دارد، موضوع «رؤیت‌پذیری» داغ است. گافمن با ذکر دو نوع «داغ بی‌اعتباری» و «داغ احتمال بی‌اعتباری»، برای فرد داغ‌خورده دو شیوه کنش و رفتار را در نظر می‌گیرد. در نوع اول کنش‌گر با علم به اینکه داغ او قابل رؤیت است و دیگران از آن باخبرند، - همچون فردی که عیب جسمانی آشکاری دارد - «مسأله اصلی نمایش‌اش، تخفیف تنش ناشی از این واقعیت است که دیگران قضیه را می‌دانند» (ریتزر، ۱۳۷۴: ۲۹۸) اما در نوع دوم به دلیل آنکه مخاطب از وجود داغ اطلاعی ندارد، کنش‌گر در بیم‌وهراس احتمال آشکار شدن داغ به سر می‌برد و این بیم‌وهراس تأثیر چشم‌گیری بر احساسات و کنش‌های او می‌گذارد؛ چراکه «کنش‌گر می‌کوشد آن را پنهان کند و کنش‌های خود را به گونه‌ای سامان دهد که این مسئله همچنان پنهان بماند» (ایمان و مرادی، ۱۳۹۰: ۶۷). گافمن داغ ننگ را به سه نوع تقسیم می‌کند. «اولین نوع، زشتی‌ها و معایب مربوط به بدن هستند. انواع بدشکلی‌های جسمانی.

¹ Erving Goffman

² Ethnomethodology

³ Stigma

نوع دوم، نواقص و کمبودهای مربوط به شخصیت فرد را شامل می‌شود؛ مثل متقلب، ضعیف‌النفس و سلطه‌پذیر بودن یا احساسات غیرطبیعی، عقاید انعطاف‌ناپذیر و غیرقابل اعتماد. این صفات با توجه به شواهد موجود به کسانی مربوط می‌شود که برای مثال دچار اختلالات روانی، زندان، اعتیاد به مواد مخدر و الکحل، هم‌جنس‌خواهی، بیکاری، اقدام به خودکشی و رفتارهای افراطی سیاسی هستند. و بالاخره نوع سوم، داغ ننگ قومی و قبیله‌ای است: اینگونه داغ ننگ‌ها می‌توانند در مسیر نسل‌ها انتقال یافته و تمام اعضای خانواده را یکسان آلوده سازند» (گافمن، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۴) در این تحقیق از میان انواع داغ ننگ، دو نوع شخصیتی و قومیتی مورد توجه بوده است. انواعی که بیش از نوع اول، یعنی داغ‌های جسمانی امکان پنهان‌سازی دارند و مهم‌تر آنکه هر دو از عوارض طبیعی جهان مدرن محسوب می‌شوند. جهانی که در آن شیوع ظواهر مدرنیته بسیار بیشتر از گذشته انسان‌ها را به سوی انزوا و تنهایی سوق داده و زمینه‌های شکل‌گیری انواع اختلال را در روان و رفتار انسان‌ها فراهم آورده است. از سوی دیگر مشکلات اقتصادی و سیاسی، جنگ‌ها، خشکسالی‌ها و محدودیت‌ها و فشارهای دولت‌ها بسیاری را مجبور به مهاجرت به سرزمین‌های دیگر کرده است. مهاجرت‌هایی ناخواسته و تحمیلی که بسیاری از افراد را در معرض انتساب داغ ننگ ملیتی و عوارض طبیعی آن همچون انزوا، بیرونی و درونی قرار داده است.

۲.۲. رمان «بنات الریاض»

خلاصه رمان «بنات الریاض» (دختران ریاض) تقدیم می‌شود:

رمان «بنات الریاض» از زبان دختری دندانپزشک اهل کشور عربستان به نام موا روایت می‌شود. این دختر جوان به مدت یک سال، هر هفته ایمیلی به تمامی کاربران اینترنت در عربستان ارسال و بخش‌هایی از زندگی چهار دوستش را در قالب پنجاه ایمیل بیان می‌کند. قصد او از این کار، برجسته‌نمایی مشکلات زنان و انتقاد به سنت‌های آزاردهنده و ظالمانه‌ای است که بر جامعه سعودی سلطه دارد. با این هدف که بتواند تغییری در وضعیت زنان کشورش ایجاد کند. چهار دختری که موا به زندگی آنها می‌پردازد، قمره، سدیم، لمیس و میشیل (مشاعل) نام دارند و از خانواده‌های مرفه از طبقه مخملی جامعه سعودی هستند. رمان «بنات الریاض» زندگی و روابط این چهار دوست را جسورانه منعکس می‌کند: قمره دانشجوی رشته تاریخ است. او از همان آغاز تحصیل دانشگاهیش، به خاطر ازدواج با پسری به نام «راشد» که قصد گرفتن دکترای تجارت ال‌ترونیک را در شیکاگو دارد از دانشگاه انصراف می‌دهد و به همراه شوهرش به شیکاگو سفر می‌کند. شوهرش پنهانی با زنی ژاپنی به نام «کاری» ارتباط دارد. همین امر سبب اختلاف قمره و راشد می‌شود و در نهایت زندگیشان به طلاق می‌انجامد. سدیم دانشجوی رشته مدیریت است که از نوجوانی نشان کرده «ولید» است. ناگهان در دوران نامزدی، ولید، سدیم را رها می‌کند و سپس طلاقش می‌دهد. سدیم به لندن سفر می‌کند و در آنجا با پسری اهل عربستان بنام «فراس» آشنا می‌شود، اما فراس بعد از چهارسال ارتباط با سدیم وی را رها می‌کند و با شخص دیگری ازدواج می‌کند. پدر سدیم از دنیا می‌رود و غم از دست دادن پدر وی را آشفته و بیمار می‌کند. بعد از مدتی فراس که حالا صاحب زن و فرزند است، بازمی‌گردد و از سدیم می‌خواهد که به عنوان همسر دوم با وی ازدواج کند ولی سدیم قبول نمی‌کند. سرانجام سدیم با پسرخاله



خویش «طارق» که دندانپزشک است، ازدواج می‌کند. شخصیت دیگری که به زندگی وی پرداخته می‌شود «لمیس» است. وی در قیاس با دیگر دوستانش، به دلیل سطح فرهنگی و شعور خانواده‌اش زندگی خوبی دارد. لمیس دانشجوی پزشکی است و با پزشکی به نام «نزار» تشکیل زندگی می‌دهد. میشل دانشجوی رشته کامپیوتر است و با پسری به نام «فیصل» قرار ازدواج می‌گذارد، اما بعد از گذشت یکسال به دلیل مخالفت خانواده فیصل-ازدواج صورت نمی‌گیرد. میشل برای ادامه تحصیل نزد دایی خود به سان فرانسیسکو مهاجرت می‌کند. وی حین تحصیل در سان فرانسیسکو با پسردایی خود ماتی عاشق همدیگر می‌شوند، اما پدر میشل مخالفت می‌کند. سرانجام میشل با خانواده به دبی می‌رود و در تلویزیون دبی مشغول کار می‌شود. در انتهای رمان، زندگی هر چهار شخصیت زن، به صورت ایمیل که هر جمعه ارسال می‌شود به سرانجام می‌رسد.

۳. بحث و بررسی

رجاء عبدالله الصانع در سال ۱۹۸۱ از پدر و مادری پزشک در ریاض عربستان زاده شد و پرورش یافت. او پس از اتمام تحصیلاتش در رشته دندانپزشکی در دانشگاه ملک سعود، برای ادامه تحصیل در همین رشته به امریکا سفر کرد. رجاء الصانع، در سن ۲۳ سالگی اولین رمانش را با نام «بنات الریاض»^۱ به زبان عربی در سال ۲۰۰۵ در بیروت و در سال ۲۰۰۷ به زبان انگلیسی منتشر کرد. این رمان به زبانهای زیادی همچون فارسی، ترکی و آلمانی و ... ترجمه شده است. (نقل از مصاحبه های رجاء الصانع در یوتوب)

تاکنون رمان «بنات الریاض» در ایران با سه ترجمه و توسط سه ناشر به شرح زیر منتشر شده است: دختران ریاض (۱۳۸۸) با ترجمه زرین دخت بروجردیان در انتشارات علم. زیر پوست ریاض (۱۳۹۲) با ترجمه سمیه صادقی در نشر لوح فکر. دختران ریاض (۱۴۰۰) با ترجمه مهناز مهاجری در انتشارات چکامه مهر. رمان «بنات الریاض» واکنش‌های مثبت و منفی بسیاری را در عربستان برانگیخت. می‌توان گفت با انتشارش، «رجاء عبدالله الصانع ماجراجویی بزرگی را آغاز کرد و پرده ضخیمی را که دختران ریاض در پشت آن پنهان شده بودند، از بین برد» (القصبی، ۱۴۳۵: ۹۲۸). این رمان، فضایی کاملاً زنانه با قومیتی عربی دارد و از مسائل دختران و زنان در انتخاب همسر، ازدواج و روابط زناشویی در عربستان به قلم یک زن عربستانی حکایت می‌کند.

۳.۱. داغ قومی و قبیله‌ای و تاثیر آن بر زندگی شخصیت‌های رمان «بنات الریاض»

داغ ننگ قومی و قبیله‌ای^۱ به ویژگی‌های مرتبط با نژاد، قومیت، ملیت، مذهب و سایر گروه‌های اجتماعی اشاره دارد که فرد به آن‌ها تعلق دارد. گافمن معتقد است که این نوع داغ ننگ می‌تواند منجر به تبعیض، طرد شدن و محرومیت از فرصت‌های برابر در جامعه شود. از دید وی، یکی از انواع «داغ ننگ قومی و قبیله‌ای» است که منظور از آن، داغ ننگ‌های مربوط به نژاد، ملیت، و مذهب است. «گافمن، ۱۳۸۶: ۳۳». وی اشاره می‌کند: این‌ها ننگ‌هایی هستند که می‌توانند از طریق دودمان (نسب) انتقال داده شوند و همه اعضای یک خانواده را آلوده

¹ Racial/Tribal Stigma



کنند.» (Lemert & Branaman, 1997: 73) مهمترین دغدغه فرد دارای داغ ننگ - فارغ از نوع داغ - دغدغه پذیرفته شدن از سوی دیگران است. امری که در مقام عمل چندان دست‌یافتنی نیست؛ چرا که انتظار برخورد طبیعی دیگران با این افراد تنها زمانی برآوردنی است که یا دیگری خود واجد آن داغ باشد و یا آنکه این دیگری جزء گروه «آگاهان» نسبت به داغ باشد و در صدد همدردی با فرد داغ‌خورده برآید. واکنش فرد داغ‌خورده در قبال صفتی که باعث عدم پذیرش او از سوی دیگران شده است به چند شیوه است. در حالت اول فرد تلاش می‌کند صفتی را که باعث ایجاد داغ شده است، زایل سازد و در این مسیر سودای آن دارد که با کسب مهارت‌ها یا ویژگی‌های جدید جبرانی، کاستی حاصل از صفت پدیدآورنده داغ را جبران سازد. اما در حالت دوم، فرد «داغ خود را وسیله‌ای برای توجیه شکست‌های دیگرش قرار می‌دهد تا به مقاصد دیگر برسد.» (همان: ۴۵) رجاء الصانع نویسنده رمان «بنات الرياض» بیش‌تر به روابط زوجین، پیش از تحقق ازدواج می‌پردازد. مثلاً میشل پس از دو رابطه ناموفقی که دارد، اولویت را اشتغال قرار می‌دهد و می‌کوشد در محیط کار نیز خود را درگیر روابط عاطفی و دغدغه ازدواج نکند. «فتح لها العمل في المجال الإعلامي الذي يعد اختصاصها آفاقاً جديدة، شعرت لأول مرة بتحررها الفعلي من جميع القيود التي كانت مفروضة عليها من قبل» (الصانع: ۱۱۷). قمره پس از ازدواج، تحصیل را رها می‌کند تا برای ادامه تحصیل همسرش - راشد - به آمریکا برود. راشد نمی‌تواند بین نقش‌های خود در داخل و خارج خانه تعادل برقرار کند: «كان راشد منشغلاً منذ وصوله بالجامعة والبحث. كان يخرج من الشقة في السابعة صباحاً ليعود في الثامنة أو التاسعة وأحياناً في العاشرة مساءً. و في عطل نهاية الأسبوع كان يحاول إشغال نفسه عنها بأي شيء كالجلوس لساعات على الانترنت أو مشاهدة التلفاز» (همان: ۱۴). بعداً قمره با کشف رابطه راشد با زن ژاپنی، دلیل سردی رفتار او را می‌فهمد. (همان: ۳۰) قمره پس از جدایی از راشد به همکاری با دوستش سدیم در برگزاری جشن‌ها و مراسم می‌پردازد. «بدأت هي و سدیم تجريان الاتصالات و تنظمان بعض الاجتماعات الصغيرة... استطاعت قمره توفير بطاقات دعوة لحضور حفل زفاف أحد أقرباء...» (همان: ۱۳۰)

در «بنات الرياض» اضطراب اجتماعی در مردان، نمود بیشتری دارد. از دلایل این امر می‌توان به غلبه نگاه سنتی به زن، نابرابری زن و مرد در سطحی گسترده‌تر و پذیرش تعدد زوجات در عرف و فرهنگ جامعه سعودی اشاره کرد. (همان: ۳۹-۴۲). قمره در کامپیوتر راشد، تصاویر دختری ژاپنی به نام کاری می‌بیند و متوجه می‌شود که شوهرش راشد با او در ارتباط است! قمره نگران می‌شود و تصمیم می‌گیرد برای تحکیم زندگیش، باردار

^۱ کار در حوزه رسانه که از تخصصش (میشل) به شمار می‌آمد افق‌های تازه‌ای را به رویش گشود و برای اولین بار آزادی عمل فارغ از همه بندهای تحمیلی پیشین را حس کرد.

^۲ راشد از زمان رسیدن، مشغول دانشگاه و پژوهش بود و ساعت ۷ صبح از آپارتمان بیرون می‌رفت تا ساعت ۸ یا ۹ یا گاهی ۱۰ شب که به خانه بازگردد. در تعطیلات پایان هفته نیز می‌کوشید خودش را به هر چیزی مثل ساعتها نشستن پای اینترنت یا تماشای تلویزیون سرگرم کند.

^۳ او (قمره) و سدیم با دیگران تماس می‌گرفتند و برخی دورهمی‌های کوچک برپا می‌کردند... قمره کارت دعوت برای شرکت در جشن عروسی یکی از اقوام تهیه کرد... .



شود. بین راشد و قمره درگیری ایجاد می‌شود و راشد حین نزاع، اعتراف می‌کند که آن دختر ژاپنی وقتی راشد خانه نداشته، به خانه‌اش راه داده و هفت سال با هم زندگی کرده‌اند و زمانی که خانواده راشد با ازدواجشان مخالفت کرد و برای سه سال او را تحریم مالی کرد، کاری در کنارش بود و حمایتش کرد. «عایش معها له سبع سنين. هذي الشغالة جيتني ووقفت جنبي وسكنتني في بيتها يوم ما كان بجبي قُرش، يوم ما أهلي رفضوا يزوجوني إياها و قطعوا عني المصروف ثلاث سنين»^۱ (همان: ۴۹). افشای روابط فرازنشویی در خانواده منجر به بحران، شدت گرفتن اختلافات و آسیب‌های روانی و جسمانی می‌شود. واکنش راشد به اعتراض قمره فحاشی، کتک‌زدن، فرستادنش به خانه پدرش و در نهایت طلاق غیابی اوست. «تأتيها الصفعة الثانية فتسقط على الأرض و هي تولول بحرقه. غادر راشد الشقة إلى أحضان اللي ما تسوي، تاركا قمره تسب وتلعن وتلطم خديها...»^۲ (الصانع: ۵۰) علاوه بر راشد، تأثیر روابط پیش از ازدواج را در مورد فراس و فیصل نیز می‌توان دید. هنگامی که سدیم پس از چند سال رابطه عاشقانه با فراس، در انتظار خواستگاری رسمی اوست، فراس خبر نامزدی‌اش را با دختری که مورد تأیید خانواده است، می‌دهد. برای خانواده فراس ازدواج او با زنی مطلقه مانند سدیم پذیرفتنی نیست. «أخبرها بصوت خافت... بأنه قد خطب فتاة تقرب لأحد أزواج أخواته الخمس»^۳ (همان: ۱۱۹) «تتذكر تلميحه العابر قبل سنتين عن مفاخته لوالديه في موضوع الارتباط بمطلقة وزوجها»^۴ (همان: ۱۲۶) فراس ظاهراً مردی متدین و پای‌بند به احکام شرعی و سختگیر در این زمینه است؛ با این همه، پس از ازدواج و حتی زمانی که صاحب فرزند شده است، ارتباط عاشقانه‌اش را با سدیم ادامه می‌دهد و علی‌رغم اظهار رضایت از همسر و زندگی زناشویی‌اش، به سدیم پیشنهاد ازدواج می‌دهد. (همان: ۱۳۷) مادر فیصل نیز با ازدواج پسرش با میشل - به دلیل آمریکایی بودن مادرش - مخالفت می‌کند. «عندما سمعت الأم أنّ أم الفتاة أمريكية قررت أن تقفل باب هذا النقاش»^۵ (همان: ۵۶) آسیب‌های روابط فرازنشویی مردان در رمان «بنات الرياض» علاوه بر پذیرش تعدد زوجات در جامعه مذهبی، ریشه در تسلط سنت‌ها و ازدواج‌های بدون تعهد دارد.

۲.۳. اضطراب اجتماعی

اضطراب اجتماعی به عنوان یک اختلال رفتاری، به ترس دائمی فرد از قرارگرفتن در موقعیت‌های جمعی اطلاق می‌شود. ترسی که «از این باور فرد ناشی می‌شود که او در این موقعیت به طرز خجالت‌آور یا تحقیرآمیزی عمل خواهد کرد» (خیر، استوار، ۱۳۸۶: ۲۵۶). افراد دارنده این مشکل، تمام سعی خود را به کار می‌گیرند تا از

^۱ هفت سال با او (کاری) زندگی کردم. این زن شاغل مرا دوست داشت. کنارم ایستاد و روزی که حتی یک قُرش نداشتم مرا در خانه اش جا داد. روزی که خانواده ام با ازدواج من و او مخالفت کردند و برای سه سال به من خرجی ندادند!

^۲ سیلی دوم هم به سراغش (قمره) آمد پس بر زمین افتاد و از سوزش و درد ناله می‌کرد. راشد آپارتمان را به سوی آغوشی که آزارش نمی‌داد ترک کرد و قمره را در حالی که ناسزا و لعن می‌گفت و بر رخسار خنج می‌کشید ول کرد!

^۳ با صدایی آهسته خبرش داد که از دختری از نزدیکان شوهر یکی از پنج خواهرش خواستگاری کرده است.

^۴ اشاره گذرای او (فراس) به اینکه دو سال پیش، نزد والدینش از ارتباطش با زنی مطلقه سر سخن گشوده بود و والدینش مخالفت کرده بودند یادش می‌آمد.

^۵ وقتی مادر (فیصل) شنید که مادر دختر آمریکایی است تصمیم گرفت این بحث را ببندد.



قرار گرفتن در موقعیت‌های ترس‌آور دور بمانند. خاستگاه این اختلال نیز به باورهای اغراق‌آمیزی برمی‌گردد که مطابق آن فرد پیش‌بینی می‌کند که قرار گرفتن در موقعیت اجتماعی برای او نتایج منفی و زیان‌باری خواهد داشت. این اختلال «آسیب در کارکردهای شغلی، تحصیلی و اجتماعی افراد را در پی دارد» (همان: ۲۵۷).

در رمان «بنات الرياض»، قمره پس از آگاهی از خیانت همسرش مضطرب است و نمی‌تواند با کسی صحبت کند. وی فقط با تنها کسی که می‌تواند صحبت کند، سدیم است که خود به‌تازگی گواهی طلاق را دریافت کرده است. «لم نَجِرْ أحداً باكتشافها المؤمن سوى صديقتها سدیم التي أخبرتها بأمر انفصالها عن خطيها ولید بعد عقد قرانها» (الصانع: ۴۶). بعدها که قمره موضوع را به مادرش می‌گوید، او نیز از قمره می‌خواهد با کسی در این مورد صحبت نکند. حفظ آبرو و ترس از قضاوت و سرزنش دیگران، از عوامل اضطراب اجتماعی در این رمان است. «عادت قمره إلى بیت أهلها في زيارة عادية، أمها التي كانت تعلم كل شيء أثرت إخفاء النبا عن الجميع» (همان: ۵۸).

سدیم تنها فرزند خانواده است و مادرش را در کودکی از دست داده است و با پدرش زندگی می‌کند. او در دوران عقد، برای جلب رضایت ولید، خود را به او تسلیم می‌کند، اما پس از این ماجرا ولید او را به طور ناگهانی ترک و غیابی طلاقش می‌دهد، بدون این که به سدیم اجازه و فرصت گفتگو بدهد. سدیم که دچار احساس گناه و خودکم‌بینی شده است، از بیم قضاوت و سرزنش دیگران نمی‌تواند با کسی در مورد این موضوع صحبت کند. «انتظرت سدیم اتصاله المعتاد بعد وصوله إلى منزله... مرّت ثلاثة أيام و سدیم ما جاها خبرٌ... ظَلَّتْ سدیم في حيرة من آخرها. تنتظر زيارة من ولید أو اتصالاً... لكنّه لا يأتي و لا يتصل... وإنما أنّه الإجابة: ورق طلاق!» (همان: ۱۸ و ۱۹).

سدیم در رابطه با فراس می‌کوشد خود را با معیارهای او که فردی سخنگیر در مسائل شرعی است، تطبیق دهد تا عشق او را حفظ کند، اما فراس با دختری از خویشاوندان ازدواج می‌کند. سدیم به نوشتن پناه می‌برد و حرف‌های خود را برای فراس در دفترش می‌نویسد. «فراس حبیبی! ما سَفَرْتُ! أَخْبَرْتِي بِأَنَّكَ مَعْلَقٌ فِي الْجَوْ وَقَلْبُكَ مَعِي عَلَى الْأَرْضِ...» (همان: ۱۳۲).

گافمن می‌گوید: اغلب تصور می‌کنیم یک فرد تنها می‌تواند یک شرح حال داشته باشد، این دیدگاه بیشتر مورد تأیید قوانین فیزیک است تا قوانین مربوط به جامعه. «گافمن، ۱۳۹۱: ۱۱۹» می‌توان گفت جامعه قبل از هر چیز، منبع اصلی «در موقعیت» بودگی انسان اجتماعی است و انسان مدرن، همواره در معرض تجربه ساحت جدیدی از «خود اجتماعی» و «خویشستن شخصی» اش بسر می‌برد. بنابراین می‌توان گفت او اساساً موجودی چندپاره و چانه‌زن است. به لحاظ جامعه‌شناسی از آنجا که چندپارگی او برآمده از «در-موقعیت» بودگی‌های

^۱ از خبر دردناکش به کسی چیزی نگفت جز به دوستش سدیم که خبر جدایش از شوهرش ولید بعد از مراسم عقدش را به قمره داد.

^۲ قمره برای یک دیدار عادی به خانواده اش باز گشت. مادرش که همه چیز را می‌دانست ترجیح داد خبر را از همه بپوشاند.

^۳ سدیم منتظر تماس همیشگی ولید پس از سیدن به خانه اش بود... سه روز گذشت و خبری به سدیم نرسید... سدیم در نهایت سرگردانی، منتظر دیدار یا تماس ولید بود... اما او نه آمد و نه تماس گرفت... تنها پاسخی که سدیم دریافت کرد برگه طلاق بود!

^۴ فراس عشقم! مسافرت نرفتی؟ به من خبر دادی در آسمان معلق هستی و قلبت با من روی زمین است...



متفاوت اوست. به عنوان مثال، پدیده‌ای به نام «طلاق»، ذاتاً پدیده‌ای مدرن است که از درون چانه‌زنی بر سر موقعیت فردی بیرون بسته است... حال آنکه ساختار جامعه‌ای تمامیت خواه به عنوان نمونه در جامعه آمریکا آنرا به داغ مبدل می‌سازد (همان: ۷۱) و یا فرضاً زن طلاق گرفته در جوامع اسلامی را وادار به مخفی کردن هویت واقعی خود می‌کند. چرا که مشروعیتی برای چانه‌زنی و متفاوت بودگی او قائل نیست.

اضطراب اجتماعی در مورد میشل و لمیس کمتر دیده می‌شود. میشل، تربیت و شخصیتی غربی و متفاوت دارد. او به‌راحتی دیدگاه‌های خود را در مورد مسائل سیاسی - اجتماعی، اعتقادی، حقوق زنان و ... بیان می‌کند و بیمی از قضاوت دیگران ندارد. میشل پس از رفتن فیصل، با گذراندن یک دوره درمانی نزد روان‌پزشک، بر مشکلات روحی ناشی از شکست عاطفی غلبه می‌کند. «لجأت میشل إلى طبيب نفسي بعد أن انعدمت أمامها الحلول^۱...» (الصانع: ۶۶). لمیس خانواده‌ای تحصیل کرده و فرهیخته دارد. او و خواهرش از کودکی این امکان را داشته‌اند که با مادر خود در مورد مسائل گوناگون به‌راحتی گفتگو کنند. «كان والدهما الدكتور عاصم حجازي عميداً سابقاً لكلية الصيدلة والدمهما الدكتورة فاتن خليل وكيلة سابقة في نفس الكلية، كان العاملان الأساسيان في نجاح الفتاتين وتفوقهما الدراسي الملوّح^۲...» (همان: ۲۱). چگونگی روابط والد - فرزند و سبک دلبستگی ایمن، در موفقیت لمیس در تحصیل، روابط او در مدرسه و دانشگاه و در ازدواج موفقش و شغلش نقش اساسی دارد: «لمیس هي الوحيدة التي نالت من بينهما كل ما تتمناه كل فتاة، الزواج الناجح، الشهادة المشرفة، الاستقرار العائلي إلى جانب المستقبل الوظيفي المضمون^۳...» (همان: ۱۵۷). گفتگوی چهار شخصیت اصلی رمان با یکدیگر و گفتگوی آنها با ام نویر، زن میان‌سالی که رازدار آنان و پناهگاه روحی و عاطفی این دختران در برابر استبداد جامعه و خانواده است. (همان: ۳۱). یکی از موارد قابل بحث در کتاب «داغ‌نگ»، توصیه‌هایی است که از سوی افراد به اصطلاح «عادی» و به گفته گافمن گاه در «مسیر مناسب» از سوی افراد حرفه‌ای و متخصص به داغ‌خورده‌ها داده می‌شود. گافمن می‌گوید: «از فرد داغ‌خورده خواسته می‌شود که خودش را از منظر یک گروه ثانویه هم ببیند: آدم‌های عادی و جامعه وسیع‌تری که آنها بنیان می‌گذارند.» (گافمن، ۱۳۹۱: ۱۹۶)

۳.۳. تن دادن به وضعیت خودخوارانگاری و مواجهه با حقارت حاصل از داغ‌نگ

دانش‌پژوهانی که به روان‌پزشکی گرایش دارند اغلب پیامدهای آسیب‌شناختی خودخوارانگاری را بسیار مورد تأکید قرار داده‌اند (گافمن، ۱۳۹۶: ۱۷۳). حذف، پس‌زدن، عدم پذیرش، نادیده گرفتن حریم خصوصی و تقلیل‌دادگی امکانات وجودی و... از شیوه‌های رایج ساختار عادی‌سالار با داغ‌خوردگان است. ازاین‌رو، می‌توان

^۱. میشل پس از آنکه همه درها به رویش بسته شد به روان‌پزشک پناه برد.

^۲. پدر آن دو (لمیس و خواهرش) دکتر عاصم حجازی رئیس با سابقه دانشکده داروسازی بود و مادرشان دکتر فاتن خلیل نماینده با سابقه همان دانشکده بود. والدینشان دو عامل اصلی موفقیت و برتری چشمگیر تحصیلی این دو دختر بودند.

^۳. بین این چهار دوست فقط لمیس بود که به هرآنچه که آرزوی یک دختر است دست یافت: ازدواج موفق، مدرک عالی، آرامش عاطفی در کنار آینده شغلی تضمین شده.



گفت داغ‌خورده کسی است که با بحران منابع هویت‌ساز جهت ساخت خویشتن، مواجه شده است و با وجودی که چنین فردی برای جامعه‌پذیر کردن خود، در نهایت تن به وضعیت خوارداشت خویشتن می‌دهد؛ اما به لحاظ وجودشناختی مصیبت این تطبیق‌پذیری باز هم گریبان وی را می‌گیرد؛ چرا که علی‌رغم اکراه، به موقعیت‌های تقلیل‌دهندگی خویش رضا داده است. به گفته گافمن: «پیشروی در این مسیر یعنی اینکه آن بی‌عدالتی و درد ناشی از حمل یک داغ ننگ هرگز برای آدم‌های عادی روشن نخواهد شد ... از افراد داغ‌خورده ... انتظار می‌رود که آقامنشانه عمل کنند و انتظار نداشته باشند که همواره از فرصت‌های عالی برخوردار باشند ... از فرد داغ‌خورده خواسته می‌شود طوری عمل کند که نه نشان دهد بارش سنگین است و نه نشان دهد حمل آن منجر به متمایز شدن وی از ما شده‌است» (همان: ۲۰۴).

در «بنات الریاض» رفتار فراس با سدیم، نمونه‌چنین رفتاری است. فراس پس از یک رابطه عاشقانه چندساله با هدیه‌دادن لپ‌تاپی به سدیم، خبر نامزدی‌اش با دختری دیگر را به او می‌دهد. «بعد آن اهداها فراس چهار ال‌کمپیوتر المحمول ... آخرها ... بآنه قد خطب فتاة...» (الصانع: ۱۱۹) سدیم رابطه‌اش را قطع می‌کند، اما فراس با تکیه بر تنهایی سدیم و عشق پرشور او بارها تماس می‌گیرد و خواهان ادامه رابطه می‌شود. او با گفتن سخنان عاشقانه حتی پس از فرزند دارشدنش می‌کوشد ارتباط خارج از عرفش را با سدیم حفظ کند. «اتخذ فراس قراراً مفاجئاً وهو مندسٌ فی فراش الزوجية وبجانبه تستلقي أم الریان. والدة ابنه الأول والحامل بطفله الثاني^۱» (همان: ۱۵۸) و حتی از سدیم می‌خواهد که همسر دومش شود: «أنا متصل أسألك تتزوجيني؟» (همان: ۱۶۰) سدیم که اخیراً پدرش را از دست داده و با خانواده خاله‌اش زندگی می‌کند از لحاظ روحی بسیار آسیب‌پذیر است می‌کوشد در برابر فراس مقاومت کند و در نهایت با پسرخاله‌اش طارق ازدواج می‌کند و رابطه‌اش با فراس را کاملاً قطع می‌کند. (الصانع: ۱۶۱).

یکی از توصیه‌های گافمن به فرد داغ‌خورده اینست تا «خود را به عنوان یک انسان کامل مانند هر شخص دیگری ببیند، انسانی که در بدترین حالت صرفاً از آنچه در تحلیل نهایی، یک عرصه از زندگی اجتماعی است محروم می‌شود. او یک نوع یا یک دسته نیست، بلکه یک انسان است.» (گافمن، ۱۳۹۱: ۱۹۶-۱۹۷) آنچه در این توصیه چشمگیر است باور به کامل بودن است.

قمره در زندگی مشترک از رفاه اقتصادی برخوردار است؛ مهریه‌ای که در فامیل نظیر نداشت (الصانع: ۲۹)، ماه غسل در ایتالیا (همان: ۲۰) و زندگی مرفه در برجی در شیکاگو، بخشی از این رفاه است. قمره راشد را خیلی کم می‌دید، اما هرچه می‌خواست برایش فراهم بود. حتی اغلب بدون آن که پولی بخواهد، راشد به او پول می‌داد ولی هیچ اعتنایی به نیازهای روحی و عاطفی قمره نداشت. «كانت لقاءاً وراشد معدودة، إلا أنها كانت تحصل فی المقابل

^۱ پس از آنکه فراس یک دستگاه لپ‌تاپ به او (سدیم) هدیه داد... به او (سدیم) خبر داد که از دختری دیگر خواستگاری کرده است...

^۲ فراس تصمیمی ناگهانی گرفت در حالی که در رختخواب زناشویش دسیسه می‌چید و در کنارش ام‌ریان مادر پسر اولش و باردار فرزند دومش دراز کشیده بود.

^۳ من تماس گرفتم ببرسم با من ازدواج می‌کنی؟!



على كلِّ ما تحتاجه من نقود متى طلبت و دون أن تطلب في أغلب الأحيان... لكن ما كانت تحصل عليه كان مُرضياً بالنسبة لها. وحدها احتياجها النفسية لم يكن يلتفت إليها^۱ (همان: ۴۴) او دو روز در ماه به سفر تفریحی می‌رود و وقتی برمی‌گردد برخلاف همیشه، به صورت افراطی به قمره اظهار علاقه می‌کند. (همان: ۴۶). بعداً قمره متوجه می‌شود تمام این امتیازات برای این بوده که او در برابر غیبت‌های راشد و روابط خارج از خانواده‌اش سکوت کند. اولین اعتراض قمره که همراه با دادن خبر بارداری‌اش است، سبب خشونت کلامی، فیزیکی و روانی راشد نسبت به او، اخراجش از خانه و طلاق دادنش می‌شود.

۴.۳. داغ احتمال بی‌اعتباری

مسأله «داغ احتمال بی‌اعتباری» یعنی داغ ننگی که احتمال آن می‌رود باعث بی‌اعتباری صاحبش شود. حالتی که گذشته از دغدغه‌های بسیار برای پنهان‌کاری، هراس آشکارشدنش نیز چشمه جوشانی برای ایجاد اضطراب و نگرانی است. مسأله رؤیت‌پذیری یا ادراک‌پذیری داغ ننگ یکی دیگر از مسائل مهمی است که اروینگ گافمن ذیل نظریه خود به آن پرداخته است. در داغ‌های دسته دوم و تا حدودی دسته سوم تلاش فرد داغ‌خورده بیش از آنکه بر مدیریت کنش‌هایش معطوف باشد، بر پنهان‌ساختن ضعف یا عیب متمرکز است و باید گفت هراندازه که در وضعیت آشکارگی داغ، فرد دارای هویت ننگ‌آلود دغدغه مدیریت روابطش را دارد، در مواردی که میزان آشکارگی داغ پایین است، دغدغه‌ها، ترس‌ها و اضطراب‌های فرد برای پنهان نگهداشتن عیب و نقص احتمالی صد چندان است. گافمن باور دارد که آدم‌های عادی واقعاً نیتشان آزار رساندن نیست. وقتی این اتفاق می‌افتد، بدین خاطر است که آنها روش مناسب‌تری برای برخورد با فرد داغ‌خورده بلد نیستند. بنابراین باید با احتیاط به آنها (افراد داغ‌خورده) کمک کرد تا به شکلی شایسته و سنجیده عمل کنند. «حرف‌های تحقیرکننده، سرزنش‌آمیز و بی‌ادبانه را نباید با مقابله به مثل پاسخ داد... فرد داغ‌خورده باید سعی کند به آنها و موقعیت اجتماعی از طریق تلاش‌های آگاهانه جهت کاهش تنش کمک کند.» (گافمن، ۱۳۸۶: ۹۹-۱۹۸). در رمان «بنات الریاض» آنچه بر کل رمان سایه انداخته، تأکید نویسنده بر آرزوی ازدواج و حسادت زنان نسبت به یکدیگر و رقابت در این زمینه است. (همان: ۱۶، ۲۳، ۲۹ و ۴۰). زنان برای جا نماندن از دوستانشان، به دروغ از ماجراهای عاشقانه‌اشان سخن می‌گویند. «أصبح حبّ ولید لسدیم مثار حسد بقية الفتيات خاصة قمره التي كانت تتحسّر على نفسها... فتبدأ قمره باختلاق الأكاذيب عن حياتها السعيدة مع راشد، وعما يفعله راشد، وما يجلبه لها راشد حتى لاتشعر بالنقص أمام صديقاتها^۲» (همان: ۱۷). روز ولنتاین هدیه فیصل برای میشیل، حسادت دوستانش را برمی‌انگیزد و با خریدن هدیه، وانمود می‌کنند آن‌ها نیز هدیه دریافت کرده‌اند. «استلمت میشیل هدیته الضخمة من سائق فیصل الذي كان بانتظارها عند بوابة الجامعة... أطلت

^۱ روابطش با راشد کم بود اما در مقابل، هرگاه هر قدر پول درخواست می‌کرد به آن دست می‌یافت و غالباً بدون درخواست، به پول دست می‌یافت و آن قمره را راضی می‌کرد. ولی راشد به نیازهای روحی‌اش توجهی نداشت!

^۲ عشق ولید به سدیم، حسادت بقیه دختران به ویژه قمره که حتی به خودش هم حسادت می‌کرد، برانگیخته بود بنابراین قمره به دروغ از زندگی خوشبختش با راشد و کارها و کادوهای راشد داستان می‌ساخت تا در برابر دوستانش احساس کمبود نکند.

على زميلاتها اللواتي تحشت قلوبهن الغيرة وهي تقرأ لهن القصيدة التي خطها فيصل على البطاقة المرفقة بالهدية، حتى أن عدداً منهن قام بجلب الدُمى والورود في الغد كدليل لِحُصولهن على هدايا مثلها عشية عيد الحب^١ (همان: ٣٣). این رقابت و حسادت زنان در قالب تجسس، قضاوت و بدگویی در مورد یکدیگر نیز نمود می‌یابد. در جشن عروسی (همان: ١٦، ١٣) و در مجتمع تجاری (همان: ٢٤) مهم‌ترین سرگرمی زنان، تماشای یکدیگر و نظر دادن در مورد لباس، هیکل، پوست، آرایش و رفتار و حرکات دیگر زنان است.

٣.٥. هویت اجتماعی و شخصی داغ خوردگی

از دید گافمن «فرد تصویر ذهنی خود از خودش^٢ را از همان مواد خامی می‌سازد که دیگران ابتدا به وسیله آنها تعیین هویت‌های اجتماعی و شخصی وی را تکمیل کرده‌اند، با این تفاوت که او در ساختن این تصاویر قادر به استفاده از برخی اختیارات مهم است» (گافمن، ١٣٨٦: ١٨٦). آنچه اهمیت دارد، اجتماعی بودن فرایند «خود»^٣ است. به گفته گافمن «هویت خویشستن عبارت است از معنای ذهنی فرد نسبت به موقعیت خودش، انسجام خودش و شخصیتی که در نتیجه تجارب اجتماعی مختلف به دست می‌آورد.» (همان: ١٨٥). در این رمان، لمیس از روابط دوستانش و شکست‌هایشان درس می‌گیرد و می‌کوشد اشتباهات آنها را در رابطه با جنس مخالف تکرار نکند. تأثیر نوع سبک دلبستگی و فرزندپروری در تربیت لمیس سبب می‌شود با تدبیر و درایت تصمیم بگیرد و ازدواج موفق همراه با رضایت زناشویی داشته باشد. «بالفعل كانت حياة لميس مع نزار مضرب المثل في السعادة الزوجية، فقد كانا متفاهمين ومنسجمين أكثر من أي زوجين حولهما» (الصانع: ١٤٠).

٣.٦. گروه

گافمن از «گروه»^٤ به عنوان واحد مطالعه در «کنش اجتماعی» سخن می‌گوید. گروه واقعی فرد، آن تجمعی از اشخاص است که احتمال می‌رود از همان محرومیت‌هایی رنج ببرند که فرد مورد نظر، رنج می‌برد. به خاطر داشتن داغ ننگی مشابه، در واقع، گروه واقعی او دسته‌ای است که می‌تواند در راستای بدنام کردنش عمل کند (گافمن، ١٣٨٦: ١٥١). گروه دست‌کم از یک کنشگر و یک مخاطب تشکیل می‌شود. البته مخاطب می‌تواند فرضی باشد (کنشگر را در برابر یک مخاطب فرضی تصور کند و دست به کنش بزند).

^١ میشیل از راننده فیصل که دم در دانشگاه منتظرش بود کادوی بزرگش را تحویل گرفت ... و به همکلاسیهایش که دلشان از حسودی داشت منفجر میشد، نشان داد و شعری را که فیصل روی کارت همراه کادو، نوشته بود برایشان خواند. و این باعث شد که فردا تعدادی از دختران عروسک و گل همراه خود بیاورند تا بگویند مثل او ان کادوها را شب جشن عشق گرفته اند.

^٢ Self demands

^٣ Self

^٤ واقعا زندگی لمیس با نزار در خوشبختی مثال زدنی بود و تفاهم و هماهنگیشان با یکدیگر بیش از دیگر زوجهای اطرافشان بود.

^٥ Team



رجاء عبدالله الصانع در رمان خود از خشونت آشکار و پنهان همه مردان نسبت به زنان و مردسالاری حاکم بر جامعه زنان، بی‌پرده سخن می‌گوید. امّ نویر از شخصیت‌های فرعی این رمان است که همسایه خانواده سدیم است و سدیم به علت فوت مادرش، با او در ارتباط است و از او مشورت‌های مادرانه می‌گیرد. امّ نویر سنگ صبور و گاهی راهنما و مشاور این چهار دوست است. او فقط یک پسر به نام نوری دارد که دوجنسیتی است. اندامش ظرافت دخترانه دارد و در سن نوجوانی به پوشیدن لباس‌های زنانه روی می‌آورد و این امر سبب می‌شود پدرش متأثر از تربیت قومی خود، بدون توجه به بیماری فرزندش، او را به شدت کتک بزند و پس از علیل و ناتوان کردن وی، او و مادرش را ترک کرده و می‌رود تا با همسر دومش زندگی کند. «لأمّ نویر من الأبناء سوی ولد واحد اسمه نوري، إلّا أنّ لنوري هذا حكاية غريبة: فمنذ أن بلغ الحادية عشرة أو الثانية عشرة وهو مفتون بتياب الفتيات وأحذية الفتيات و مساحيق التجميل و الشعر الطويل. ذعرت والدته ... و حاولت ردعه و توجيهه بشتى الوسائل ... إلّا أنّ أبوه كان أكثر صرامة معه. لم يكن نوري يظهر نعمته أمام والده الذي يهابه كثيراً، إلّا أنّ الأب سمع من الجيران كلاماً عن ابنه، اشتاط له غضباً فدخل على ابنه في حجرته واثمّال عليه بالضرب بيديه ورجليه حتى أصيب الولد بكسور في القفص الصدري والأنف وإحدى الذراعين. ترك الأب المنزل بعد هذه الحادثة ليعيش مع زوجته الثانية بشكل دائم مبتعداً عن هذا المنزل و هذا الولد^۱». (الصانع: ۱۱-۱۲)

۴. نتیجه

رمان «بنات الرياض» حاصل تلاش نویسنده‌ای است که قصد دارد بر پایه نظریات روان‌شناختی، در شناسایی داغ ننگ‌های جامعه تأثیرگذار باشد. بر اساس مباحث مطرح‌شده در مقاله، از تمامی داغ ننگ‌زنی در رمان «بنات الرياض»، داغ ننگ قومی و قبیله‌ای نمود بیشتری دارد که منشأ تمامی داغ ننگ‌های رمان مذکور نشانه سیطره قدرت مردسالارانه در جامعه است. گافمن با بررسی داغ ننگ قومی/قبیله‌ای، نشان می‌دهد که چگونه عوامل اجتماعی و فرهنگی می‌توانند بر هویت و زندگی افراد تأثیر منفی بگذارند و باعث ایجاد نابرابری در جامعه شوند. در رمان «بنات الرياض»، افرادی که با این نوع داغ ننگ مواجه هستند، باید با استفاده از راهبردهای مختلفی مانند پنهان کردن هویت، تظاهر به هویت عادی یا پذیرش داغ ننگ، با آن کنار بیایند. برخلاف داغ ننگ‌های جسمی یا رفتاری که ممکن است ناشی از ویژگی‌های فردی باشند، این نوع داغ ننگ ریشه در عوامل بیرونی مانند باورهای فرهنگی، کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌ها دارد.

درون‌مایه رمان «بنات الرياض»، مسائل زنان در انتخاب همسر، ازدواج، روابط پیش و پس از ازدواج بین زوجین، تعارضات زناشویی و طلاق، با محوریت زندگی چهار زن است. در رمان، انتقاد به روابط نابرابر زنان و مردان، تبعیض

^۱ امّ نویر فقط یک پسر به نام نوری دارد. نوری داستان عجیبی دارد. او وقتی به سن یازده دوازده سالگی رسید شیفته لباسها و کفشهای دخترانه، کرم پودرهای زیبایی و موی بلند شد. مادرش ترسید... و تلاش کرد او را منصرف کند و به شیوه‌های مختلف توجیهش کند. اما پدرش با او جدی تر بود. نوری چون از پدرش می‌ترسید لطافتش را جلوی پدرش نمایان نمی‌کرد. اما پدر حرفهایی را از همسایه‌ها درباره پدرش شنید خشمگین شد و وارد اتاق پسرش شد و او را چنان زیر مشت و لگد خود گرفت که قفسه سینه، بینی و دستش شکست. پس از این اتفاق، پدر خانه را ترک کرد تا به دور از این خانه و این پسر، برای همیشه با همسر دومش زندگی کند.



اجتماعی علیه زنان و سلطه فرهنگ مردسالار همراه با تأکید بر فردیت زنانه و لزوم خودجویی و خودیابی زنان و نیز انتقاد به سیطره آداب و رسوم و سنت‌های زن‌ستیزانه برجسته است. در «بنات الریاض» با توجه به غلبه سنت‌ها و پذیرش ازدواج مجدد در عرف و فرهنگ سنتی جامعه، روابط فرازنشویی در مردان نمود بیشتری دارد. دغدغه دختران، رقابت با یکدیگر در به‌چشم‌آمدن و انتخاب‌شدن است. دلزدگی زنشویی، نفرت و پرداختن به زمینه‌ها و عوامل آن، از جمله خیانت، باج‌گیری عاطفی و بی‌توجهی به نیازهای همسر بازتاب بیشتر و رضایت زنشویی بازتاب کمتری دارد. در رمان رجاء الصانع حفظ آبرو و ترس از قضاوت و سرزنش دیگران حتی خانواده، از دلایل اصلی انواع داغ ننگ در زنان است و صدای شخصی نویسنده و دیدگاه‌های ایدئولوژیک او آشکارا رخ می‌نمایند.

منابع

- افضل، علی، عتابی، رحیم، محسنی مهر (سگوند)، معصومه (۲۰۱۸) «واکاوی جامعه‌شناسی شرایط زنان در عربستان سعودی (مورد مطالعه: رمان بنات الریاض اثر رجاء عبدالله الصانع) مجله الأستاذ، شماره ۱۲۵، صص ۱۸۹-۲۰۸.
- ایمان، محمدتقی، مرادی، گلمراد (۱۳۹۰) «روش‌شناسی نظریه اجتماعی گافمن»؛ فصلنامه زن و جامعه، شماره ۲، صص ۷۷-۵۹.
- خیر، محمد، استوار، صغری (۱۳۸۶). «ارتباط میان اضطراب اجتماعی و سوگیری‌های شناختی در نوجوانان»، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی/ایران، سال ۱۳، شماره ۳، صص ۲۶۳-۲۵۶.
- ذبیح‌نیا عمران، آسیه (۱۴۰۱) «بررسی رمان جای خالی سلوچ بر اساس نظریه داغ ننگ اروینگ گافمن»، پژوهش‌های بین رشته‌ای/ادبی، شماره ۷، بهار و تابستان، صص ۷۹-۱۰۸.
- ذبیح‌نیا عمران، آسیه (۱۴۰۱) «تحلیل رمان پرفروش شبح از سوزان کی بر اساس نظریه داغ ننگ اروینگ گافمن»، پژوهش‌های میان رشته‌ای/زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۹۵-۱۱۴.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر؛ ترجمه محسن ثلاثی، چ اول، تهران: علمی.
- شفیع زاده، سودابه؛ نوری کیدقانی، سید مهدی؛ میرزایی نیا، حسین (۱۳۹۸) «نگاهی تطبیقی به اشتغال بانوان و پیامدهای آن در دو رمان «عادت می‌کنیم» زویا پیرزاد و «بنات الریاض» اثر رجاء عبدالله الصانع»، پژوهش‌های تطبیقی زبان و ادبیات ملل، شماره ۱۵، بهار، صص ۵۷-۷۶.
- شولتز، دوان پی و شولتز، سیدنی الن. (۱۳۹۸). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ویرایش.
- فتح‌اللهی، سیمین، ذبیح‌نیا عمران، آسیه، پشت دار، علی محمد (۱۴۰۲) «بررسی رمان طوبا و معنای شب از شهرنوش پارسی‌پور بر اساس نظریه داغ ننگ اروینگ گافمن»، پژوهش‌های ادبی، شماره ۸۱، پاییز، صص ۱۴۵-۱۷۶.
- قاسم زاده، سید علی (۱۳۹۳) «جامعه‌شناسی رفتار در رمان طناب کشی بر مبنای نظریه داغ ننگ». فصلنامه نقد ادبی. س ۷، ش ۲۶. تابستان. صص ۱۴۷-۱۶۹.
- قاسم زاده، سید علی، سالارکیا، مزده (۱۳۹۵) «بازخوانی روان شناختی - جامعه شناختی بخش پهلوانی شاهنامه بر مبنای نظریه داغ ننگ گافمن». مجله کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی. شماره ۳۲. بهار و تابستان. صص ۷۷-۱۰۲.
- علی بیگی سرهالی، وحید و نیکخواه نوری، ام البنین (۱۴۰۱) «تفسیر و تحلیل شخصیت مجنون بر اساس نظریه کتل» مجله مطالعات ایرانی. دوره ۲۱، شماره ۴۱، صص ۳۸۹-۴۲۸.



- گافمن، اروینگ (۱۳۸۶) *داغ ننگ (چهاراندیشی برای هویت ضایع شده)*؛ ترجمه مسعود کیانیپور، چ اول، تهران: نشر مرکز.
- گافمن، اروینگ (۱۳۹۱) *نمود خود در زندگی روزمره*. ترجمه مسعود کیانیپور. تهران: نشر مرکز.
- گرجامی، جواد، علیزده، علی عباس (۱۴۰۰) «تهی شدگی صدای مردانه در رمان‌های فارسی و عربی با کاربست نشانه‌های زنانه (مورد پژوهانه: «پرنده من» فریبا وفی و «دختران ریاض» رجاء عبدالله الصانع)»، *پژوهشنامه زنان*. شماره ۱۲. صص ۲۳۱-۲۵۷.
- نجاتی، حسین، (۱۴۰۰) *تحلیل ساختاری و محتوایی رمان «بنات ریاض» اثر رجاء عبدالله الصانع*، پایان‌نامه کارشناسی رشد دانشگاه خلیج فارس. استاد راهنما: علی خضری.
- سهاد ساعد صاحب (۲۰۱۹) «صورة الرجل والمرأة فی رواية بنات الرياض»، *کلیه التریبه الأساسیه* «شباط، جامعه بابل، شماره ۴۲، صص ۱۵۰۱-۱۵۱۲.
- الصانع، رجاء عبدالله. «بنات ریاض»، إعداد والتنفيذ الإلكتروني: م، أمجد قاسم.
- القصبي، غازي (۱۴۳۵ ق). *قاموس الأدب و الأدباء فی المملكة العربیه السعودیه*. الجزء ۲. الرياض: داره الملك عبدالعزيز.
- Lemert, Charles., & Branaman, Ann. (1997). *The Goffman Reader*. Blackwell Publishing Ltd.
- Rouse, Matthew H., (2002) Christ & Stigma, Biola University, Faculty Integration Seminar, Summer, New york: Russell sage Foundation: 9 – 2.

References

- Afzali, A., Atabi, R., & Mohseni Mehr (Sagvand), M. (2018). A sociological investigation of women's conditions in Saudi Arabia (Case study: *Girls of Riyadh* by Rajaa Alsanea). *Al-Ustadh*, No. 125, pp. 189–208. [In Persian]
- Al-Gosaibi, G. (2013 A.H.). *Encyclopedia of Literature and Writers in the Kingdom of Saudi Arabia* (Vol. 2). Riyadh: King Abdulaziz Foundation. [In Arabic]
- Ali Beigi Serahali, V., & Nikkhah Noori, O. B. (2022). Interpretation and analysis of the character of Majnun based on Cattell's theory. *Iranian Studies Journal*, Vol. 21, No. 41, pp. 389–428. [In Persian]
- Alsanea, R. (200۰). *Girls of Riyadh*. [In Arabic]
- Eiman, M. T., & Moradi, G. (2011). Methodology of Goffman's social theory. *Women and Society Quarterly*, No. 2, pp. 59–77. [In Persian]
- Fathollahi, S., Zabih Nia Emran, A., & Poshtdar, A. M. (2023). Analysis of the novel *Touba and the Meaning of Night* by Shahrnush Parsipur based on Erving Goffman's stigma theory. *Literary Studies*, No. 81 (Fall), pp. 145–176. [In Persian]
- Goffman, E. (2007). *Stigma: Notes on the Management of Spoiled Identity*. Translated by Masoud Kianpour. Tehran: Nashr-e Markaz. [In Persian]
- Goffman, E. (2012). *The Presentation of Self in Everyday Life*. Translated by Masoud Kianpour. Tehran: Nashr-e Markaz. [In Persian]
- Ghorjani, J., & Alizadeh, A. A. (2021). The depletion of masculine voice in Persian and Arabic novels through the application of feminine signs (Case studies: *My Bird* by





- Fariba Vafi and *Girls of Riyadh* by Rajaa Alsanea). *Women's Research Journal*, No. 12, pp. 231–257. [In Persian]
- Heyr, M., & Ostovar, S. (2007). The relationship between social anxiety and cognitive biases in adolescents. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, Vol. 13, No. 3, pp. 256–263.
 - Kazemzadeh, S. A. (2014). Sociology of behavior in the novel *Tanaab Keshi* based on Goffman's stigma theory. *Literary Criticism Quarterly*, Vol. 7, No. 26 (Summer), pp. 147–169. [In Persian]
 - Kazemzadeh, S. A., & Salarkia, M. (2016). A psycho-sociological rereading of the heroic section of the *Shahnameh* based on Goffman's stigma theory. *Kavoshnameh of Persian Language and Literature*, No. 32 (Spring and Summer), pp. 77–102. [In Persian]
 - Lemert, Charles., & Branaman, Ann. (1997). *The Goffman Reader*. Blackwell Publishing Ltd.
 - Najati, H. (2021). Structural and content analysis of *Girls of Riyadh* by Rajaa Alsanea. Undergraduate Thesis, Persian Gulf University. Supervisor: Ali Khezri. [In Persian]
 - Ritzer, G. (1995). *Sociological Theory in the Contemporary Era*. Translated by Mohsen Salasi. Tehran: Elmi Publishing. [Persian translation]
 - Rouse, Matthew H., (2002) Christ & Stigma, Biola University, Faculty Integration Seminar, Summer, New york: Russell sage Foundation: 9 – 2.
 - Sohad Sahib, S. (2019). The image of man and woman in the novel *Girls of Riyadh*. *Basic Education College Journal*, No. 42 (February), pp. 1501–1512. [In Arabic]
 - Shafiee Zadeh, S., Noori Kizghani, S. M., & Mirzaee Nia, H. (2019). A comparative look at women's employment and its consequences in two novels: *We Get Used To It* by Zoya Pirzad and *Girls of Riyadh* by Rajaa Alsanea. *Comparative Research in World Literatures*, No. 15 (Spring), pp. 57–76. [In Persian]
 - Schultz, D. P., & Schultz, S. E. (2019). *Theories of Personality*. Translated by Yahya Seyed Mohammadi. Tehran: Virayesh Publishing. [Persian translation]
 - Zabih Nia Emran, A. (2022). An analysis of the novel *The Empty Place of Soluch* based on Erving Goffman's stigma theory. *Interdisciplinary Literary Studies*, No. 7 (Spring and Summer), pp. 79–108. [In Persian]
 - Zabih Nia Emran, A. (2022). Analysis of the bestselling novel *The Ghost* by Susan Kay based on Erving Goffman's stigma theory. *Interdisciplinary Studies in Persian Language and Literature*, No. 2 (Fall and Winter), pp. 95–114. [In Persian]



فصلية دراسات في السردانية العربية

الرقم الدولي الموحد للطباعة: ٢٦٧٦-٧٧٤٠

الرقم الإلكتروني الدولي الموحد: ٢٧١٧-٠١٧٩



جامعة خوارزمي

دراسة رواية بنات الرياض لرجاء عبد الله الصانع على أساس نظرية الوصمة لإرفينغ غوفمان

آسيه ذبيح نيا عمران^{١*}، مرضيه زارع زرديني^٢

الملخص

تبحث المقالة عن رواية «بنات الرياض» (٢٠٠٥) للكاتبة السعودية رجاء عبد الله الصانع (مواليد ١٩٨١)، على أساس نظرية الوصمة لإرفينغ غوفمان (١٩٢٢-١٩٨٢). في نظرية غوفمان تكون العلاقات بين الأفراد في الحياة اليومية ذات أهمية خاصة. تتناول رواية «بنات الرياض» قضايا امرأة اليوم في المملكة العربية السعودية، مع التركيز على العلاقات الزوجية، من خلال عدسة حياة أربع نساء هن: قمره ونديم وميشيل ولميس. تتحدث الكاتبة عن مأساة الحياة المدفونة في التقاليد وعن فتيات يتم شراؤهن وبيعهن في أسواق الخرافيات كأسيرات ويحتجزن في الحرم الشرقي التقليدي حتى لحظة الموت. تُركّز رجاء الصانع على الآثار السلبية لتقاليد المجتمع السعودي وعاداته. وتعتقد عدم المساواة في الحقوق والعلاقات بين الرجال والنساء. تعتمد الدراسة على المنهج الوصفي التحليلي. وبناءً على نتائجها، فإن أهمّ الوصمات والتصنيفات في رواية «بنات الرياض» هي: المعارضة، والاشتمزاز، ومعارضة التيار السائد، والرفض، والشك في معتقدات الشخصيات، والتي غالباً ما تتناول مواضيع تقليدية وثقافية. إن وجود الوصمة في حياة الشخصيات الرئيسة في الرواية يؤدي إلى مشاكل خطيرة كالنكث، والكذب، واضطرابات نفسية متنوعة، وفي النهاية القلق الاجتماعي. كما أن الوصمة العرقية والقَبَلية تُعذّب الشخصيات الرئيسة في الرواية أكثر من أي شيء آخر.

الكلمات الرئيسة: رجاء عبد الله الصانع، رواية بنات الرياض، إرفينغ غوفمان، نظرية الوصمة.

تاريخ القبول: ٢٠٢٥/١١/١٠

تاريخ الوصول: ٢٠٢٥/٠٨/٠٥

العدد الخاص الشتاء (٢٠٢٥م)، العدد ١، صص. ٧٣-٩٢

^١ الأستاذة في اللغة الفارسية و آدابها، كلية الآداب و اللغات الأجنبية، جامعة پیام نور. طهران. ایران. (الكاتبة المسؤولة) zabihnia@pnu.ac.ir

^٢ الأستاذة المساعدة في اللغة العربية و آدابها، كلية الآداب و اللغات الأجنبية، جامعة پیام نور. طهران. ایران. mzare93@pnu.ac.ir

